

## در دفاع از

### "بیانیه در محکومیت کمک دولت آمریکا"

کامران صادقی

20 آپریل 2006

kamrans@t-online.de

انتشار " بیانیه در محکومیت کمک دولت آمریکا " با امضای تعدادی از روشنفکران و فعالان سیاسی یکبار دیگر بحثی را دامن زد که در تاریخ معاصر ایران بطور عمده از زمان کودتای سوم اسفند 1299 که به دست انگلیسیها پدر بزرگ رضا پهلوی را بر کرسی قدرت نشاند و به ویژه از زمان کودتای 28 مرداد که به دست آمریکائیه و انگلیسیها حکومت ملی دکتر مصدق را ساقط کرد و پدر رضا پهلوی را به سلطنت باز گرداند، آغاز شده است.

سئوال اینست که آیا با وابستگی به دولتهای خارجی میتوان برای استقلال ایران مبارزه کرد؟ و یا از منظری دیگر، تکیه گاه جویندگان راه آزادی، استقلال، سعادت و بهروزی این سرزمین کدام است: مردم ایران یا دولتهای خارجی که در بزنگاههای تاریخی همیشه جانب انقیاد و چپاول را گرفته اند؟ بیانیه مذکور به این سئوال جواب مشخص میدهد و موضع خود را در رابطه با کمکهای آمریکا به اپوزیسیون و اهداف آن به روشنی اعلام میکند.

در مطلبی که تحت عنوان "مخالفت با بیانیه در محکومیت کمک دولت آمریکا"(1) در سایت اخبار روز به تاریخ 5 آپریل 2006 منتشر شده است، خانم یا آقای م.چشمه موضوع بحث را چنین توصیف میکند:

"این بیانیه در حقیقت بیکی از بزرگترین تابوهای اپوزیسیون سیاسی ایران یعنی تماس با دول خارجی و احتمالاً دریافت کمک از آنان برخورد کرده و آنرا شدیداً محکوم میکند."

در زیر سعی میکنم با برخورد به استدلالهای م.چشمه در مخالفت با بیانیه، به حساسیت، اهمیت و پیام اصلی آن در شرایط ویژه اوضاع سیاسی ایران پردازم و لزوم دفاع نیروهای جمهوری خواه که دل در گرو آزادی و استقلال ایران دارند، از این بیانیه را نشان بدهم.

تشخیص م.چشمه مبني بر اینکه بیانیه به یکی از بزرگترین تابوهای اپوزیسیون سیاسی ایران برخورد کرده است، درست است. کافیت به سرنوشت سیاسی افرادی که در چند دهه گذشته خواستند این تابو را بشکنند نظری بیافکنیم تا ببینیم افرادی که زمانی شان و منزلتی در جنبش سیاسی ایران داشتند با نزدیک شدن به محافل کودتاجیان و یا کارفرمایان خارجی آنها، چگونه به حسیض ذلت گرفتار آمدند. و بی جهت نیست که چنین است. اگر کودتای 28 مرداد نبود میهن و ملت ما اکنون از جایگاه دیگری در میان ملل جهان برخوردار بود. اگر آن زخم عمیق و کاری بر پیکر جنبش آزادی خواهی و استقلال طلبی میهن ما ننشسته بود، اکنون یک پادوی مافیای حاکم نمی توانست جامعه را به لبه پرتگاه بکشاند. بنابراین مسئله بر سر تنزه طلبی و روحیات روشنفکرانه، آنطور که م.چشمه مینویسد، نیست. مسئله مشخص کردن جایگاه خود در برخورد به بازی خطرناکی است که آغاز شده است. آیا یکبار دیگر قرار

است با دلارهای آمریکائی "قیام ملی" براه انداخته شود و راه "نجات" ایران هموار گردد؟ منحرف کردن بحث کمکی به حل مسئله نمیکند. بیانیه در محکومیت کمک آمریکا صادر شده است. م.چشمه درست با حذف این نکته میخواهد به نقد بیانیه پردازد. اما به دلایلی که در زیر خواهند آمد چنین نقدي نخ نما و بي جوهر است. ایشان استدلال خود را با این جمله آغاز میکند: "اگر بخاطر حساسیت بخشی از اپوزیسیون، ایالات متحده را از حکم فوق حذف کنیم، معلوم نیست چرا دریافت برخی کمکها... نادرست است". عجب! همه بحث بر سر ایالات متحده است. اگر آنرا حذف میکردیم که دیگر دلیلی برای انتشار بیانیه در محکومیت کمک آمریکا وجود نمی داشت.

م.چشمه در ادامه استدلال خود با حالتی حق بجانب میبرد: "في المثل اگر اپوزیسیون ایران کمکهای را از دولتهای مانند سوئد، هلند و یا کانادا بمنظور راه اندازی کانالهای رادیو- تلویزیونی و یا تسهیل در ارتباطات اینترنتی دریافت کند چه گناه کبیره ای مرتکب شده و چه توهین آشکاری به مردم ایران کرده است!؟" یاللعجب! سیا، پنتاگون و وزارت امور خارجه آمریکا بسیج شده اند تا آلترناتیوی دست آموز را از بالای سر مردم آنها با راکتهای اتمی بر میهن بلازده ما تحمیل کنند و م.چشمه بحث را به سطح دریافت تسهیلات اینترنتی و راه اندازی کانال رادیو- تلویزیونی از هلند و.. تقلیل میدهد(2). تشخیص امر بالا با داده های موجود برای يك فرد سیاسی نباید مشکل باشد، ولي مشکل م.چشمه کجاست که آگاهانه یا نا آگاهانه به چنین مانوری متوسل میشود؟ مشکل ایشان، مشکل همه کسانی است که میخواهند بدون پشتوانه مردمی راه میان بر و سریع را بپیمایند. ابعاد معضل در نقل قول زیر رخ مینمایند: "بسیار ساده لوحانه است اگر فکر کنیم که اپوزیسیون پراکنده و ضربه دیده ایران در مقابله با رژیم اینچنین بهیمی و سرکوبگر که بر دریائی از نفت و گاز خوابیده و...، میتواند در عصر جهانی شده بدون کمک خارجی و از جمله کمک از دول خارجی بر حریف فائق آید." اجزاء معادله روشن هستند. اپوزیسیون پراکنده و ضربه دیده است، رژیم وحشی و دارای امکانات وسیع (بر دریائی از نفت و گاز خوابیده)، در عصر جهانی شده(!؟) اپوزیسیون بدون کمک خارجی نمیتواند بر چنین حریفی فائق آید. باید اذعان کرد که به این ترتیب حق با م.چشمه است. هنگامیکه اجزاء معادله را اینگونه ردیف کنیم، طبیعتا ساده لوحانه خواهد بود که بخواهیم با این اپوزیسیون نحیف بر حریفی چنین بهیمی غلبه کنیم. تنها يك راه باقی میماند و آنها متوسل شدن به کمکهای آمریکا خواهد بود(قدرت تخیل بسیار قوی لازم است تا بتوان این اپوزیسیون "پراکنده و ضربه دیده" را با نهضت مقاومت فرانسه در جنگ جهانی دوم مقایسه کرد و توجیه استفاده از کمکهای آمریکا در این شرایط را از دل این مقایسه بدست آورد). در چنین حالتی قاعدتا این نکته هم باید جزو بدیهیات باشد که "رهبرانی" که سوار بر تانک های آمریکائی وارد تهران میشوند، نه در مقابل مردم ایران بلکه در مقابل حامیان خود جواب گو خواهند بود. میهن بلا زده ما یکبار این تجربه را آزموده است. تحمیل دوباره آزمودن این آزموده از طرف هر کسی که باشد خیانت آشکار به پنجاه سال مبارزه خونین مردم این سرزمین است .

در اینجا پرداختن به يك ایراد دیگر م.چشمه ضروری است. بیانیه معتقد است: " چشم دوختن به کمک خارجی نشانه ي وابستگی است. سرنوشت غم انگیز مبارزات مردم افغانستان و عراق برای رهایی از دیکتاتوری برای همگان درس

روشنی از عواقب چنین دخالت‌هایی به شمار میرود". اما م.چشمه این نکته را چنین بیان میکند: "بیانیه در جای دیگری با اشاره به 'سرنوشت غم‌انگیز مبارزات مردم افغانستان' تلویحا حمله نظامی آمریکا به افغانستان را غم‌انگیز میداند و اوضاع کنونی این کشور را ناشی از دخالت‌های آمریکا میداند" اولین نکته‌ی که در اینجا جلب نظر میکند حذف **عراق** از نقل قول بیانیه است. منطق استدلال همان منطقی است که در بالا نشان داده شد. اگر عراق از نقل قول بیانیه حذف نشده بود، جملات بعدی این بند بلاموضوع میشدند. با در نظر گرفتن فاجعه‌ای که سه سال پس از حمله نظامی آمریکا اینک در عراق جریان دارد، با هیچ مانوری نمیشد به توجیه حمله نظامی آمریکا به عراق پرداخت. نکته‌ی جالب توجه دیگر طرح این ایراد است که بیانیه بقول ایشان تلویحا اوضاع کنونی کشور افغانستان را ناشی از دخالت‌های آمریکا میداند. آیا میتوان در یک نگاه جدی منکر این واقعیت شد که مشکلات امروز جامعه افغانستان به طور عمده ناشی از دخالت‌های خارجی در تاریخ اخیر این کشور است؟ آیا کشور افغانستان امروز پس از تحمل عواقب دو حمله نظامی آبادتر و پیش‌رفته‌تر از دوران قبل از حمله‌های نظامی است؟ م.چشمه برای توجیه دخالت آمریکا در افغانستان از نویسندگان بیانیه میپرسد: "آیا برای تمدن جهانی موجودیت القاعده در افغانستان قابل قبول بود؟". کدام تمدن جهانی؟ آیا برای شما آمریکا مترادف با تمدن جهانی است؟ چطور تا زمانیکه آمریکا طالبان و القاعده را می‌پروراند، وجود اینان قابل قبول مینمود؟ مگر نه اینکه همین موسسات آمریکایی که اکنون برای ایران طرح و برنامه میدهند، در آن موقع به بزرگ کردن چهره طالبان مشغول بودند؟ (3) آیا بهمین زودی فراموش کردیم که طالبان و القاعده چگونه و به وسیله کدام قدرت بر جان و مال و ناموس و حیثیت مردم افغانستان حاکم شدند؟ آیا گزاره گفته‌ایم اگر مسئولیت آنرا مستقیما به عهده قدرت‌مداران آمریکا بدانیم؟ معامله‌ی جالبی است، اول بلائی را بر سر ملتی نازل میکنند و سپس برای رفع آن بلا به حمله نظامی میپردازند و روشن‌فکر ما آنرا به حساب تمدن جهانی (!) میگذارد و به جای حمایت از افشای این معامله، مبارزه برای جلوگیری از تکرار آن را "دامن زدن به ستیزه‌جویی با آمریکا" مینامد.

از پرداختن به اینکه آیا اوضاع کنونی کشور عراق ناشی از حمله نظامی آمریکاست یا نه صرف‌نظر میکنم، چرا که برای هر انسان بی‌غرض و مرضی اظهارمن الشمس است.

و اما لب کلام و حرف حساب آقا یا خانم م.چشمه را باید در سئوالی جستجو کرد که بلافاصله پس از این ایراد مطرح میکند. ایشان میپرسند: "چگونه مردم ستمدیده افغانستان میتوانند بدون کمک خارجی که حمایت سازمان ملل را نیز با خود داشت، باین زودیها از شر جرثومه طالبان - القاعده رهائی یابند!" خواننده جستجوگر اکنون به علت واقعی مخالفت م.چشمه با بیانیه در محکومیت کمک آمریکا پی‌میرد. بنظر ایشان افغانستان توان رها کردن خود از شر جرثومه طالبان - القاعده را نداشت پس دخالت نظامی آمریکا ضروری بود تا این مردم ستمدیده را از شر آنان رها سازد. اگر همین منطق را در رابطه با اوضاع ایران و معادله‌ای که قبلا م.چشمه ارائه کرده بود (اپوزیسیون پراکنده و ضربه دیده است و رژیم قدر قدرت، بدون کمک خارجی نمیتوان بر حریف فائق آمد) در نظر بگیریم، نتیجه چنین میشود: ایران هم توان رها کردن خود از شر جرثومه جمهوری اسلامی را ندارد، پس کمک آمریکا (حمله نظامی؟) ضروری است.

بیانیه اما با حرکت از درجه آگاهی، ظرفیت ها و توان زنان و مردان آزاده ایران اعلام میکند که " سر نوشت کشور تنها به دست مردم تعیین خواهد شد". بزبان دیگر نیروی واقعی برچیدن بساط مافیای حاکم از پیوند جنبشهای مردمی بر خواهد آمد و تنها در چنین حالتی است که میتوان امیدوار بود که " شرایط واقعی آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی" در ایران بلازده ما بر قرار گردد.

## یپاورق

(1) در مخالفت با این بیانیه اخیرا دو نوشته دیگر نیز از طرف آقایان جلال شالگونوی و دکتر حسین باقر زاده منتشر شده اند.

(2) جهت روشنتر شدن چگونگی "حمایت"ها و "گستره عملیات جاری آمریکا در ایران" نظر خواننده را به نامه ای که دنیس جی کوسینیچ(عضو کنکره آمریکا و عضو کمیسیون فرعی امنیت ملی، تهدیدهای تازه و روابط بین المللی کنکره) در 18 آپریل به جورج بوش نوشته است، جلب میکنم:

"هفته گذشته در باره ی گزارش های مربوط به فعالیتهای نظامی نیروهای آمریکا در ایران نامه ای برای شما ارسال کردم...اما گزارشهایی نیز وجود دارد دال بر اینکه آمریکا به مخالفت در ایران دامن میزند و از اقدامات نظامی در ایران در میان گروههای شورشی و گروههای اقلیت قومی که بعضا از خاک عراق فعالیت میکنند، پشتیبانی میکند. حزب زندگی آزاد در کردستان(پژاک) یکی از این گروههاست...باور اینکه پژاک بدون اطلاع، حمایت و هماهنگی آمریکا از خاک عراق عملیات خود را انجام میدهد، دشوار است... جیم لب ...از قول فیلیپ گیرالدي، يك مامور سابق سیا...شرح میدهد که چگونه نیروهای ویژه ی آمریکا از پایگاههایی در افغانستان و بلوچستان پاکستان، از تابستان 2004 اعضای مجاهدین خلق را برای انجام عملیات اکتشافی و گردآوری اطلاعات در ایران هدایت کرده اند... بیشتر از شما خواسته بودم فوراً در باره ی گستره ی عملیات جاری آمریکا در ایران به کنکره گزارش بدهید. اکنون، در پرتو شواهد مذکور در فوق از شما میخواهم در باره ی پشتیبانی از عملیات نظامی گروههای شورشی در ایران به کنکره گزارش بدهید..."

جهت اطلاع از متن کامل نامه به منبع زیر مراجعه کنید:

<http://kucinich.house.gov/News/DocumentSingle.aspx?DocumentID=42505>

(3)"طالبانها کوچکترین رابطه ئی با بین الملل اسلامیهستهای رادیکال ندارند. حتی در حقیقت Council on Foreign Relation از آنها متنفر هستند..." این سخنان را آقای بارنت روبین متخصص امور افغانستان در موسسه:

در تاریخ 14 اکتبر 1996 یعنی يك ماه بعد از به قدرت رسیدن طالبان در مصاحبه ای با نشریه تایمز بیان میکند. پیش از آن طالبان محمد نجیب الله را که به دفتر سازمان ملل پناه برده بود، دستگیر و بدون محاکمه اعدام کرده بودند.